

هر برنامه و فکر ظاهرآ عالی که از سوی مسئولان و مجریان دولتی ترجیح داده می‌شود، باید به عقل چندصدساله یا چندهزارساله فعالان واقعی در عرصه‌های مختلف کسب‌وکار توجه داشته باشد و مسئولان ملاحظات ظریف و دقیق این مردم را در نظر بگیرند. پس باید یاد بگیرند که به جای سخن گفتن یک‌طرفه، حتماً با تواضع اول خوب گوش دهند تا به ارزشمندترین راه‌حل‌ها و ارزان‌ترین راهکارها دست یابند؛ از همین روی، انتخابات پیش رو، یک فرصت مهم در اقتصاد ایران است برای آنکه به دست اهلس سپرده شود که اگر غیر از این باشد، چنان به بیراهه خواهد رفت که حتی تصور آینده‌اش غیرقابل باور است. گفت‌وگو با چند فعال اقتصادی نشان می‌دهد که مهم‌ترین خواسته آنان، کوچک‌تر شدن دولت‌و دخالت کمتر این نهاد در امور اقتصادی کشور و به‌خصوص قیمت‌گذاری دستوری است. بنابراین اهمیت زیادی دارد که چه فردی و با چه دیدگاه اقتصادی به‌عنوان رئیس جمهور انتخاب می‌شود. اگر رای‌های خاکستری به میدان نیایند و در انتخاب چنین فردی اجماع ایجاد نشود، این خواسته‌ها بیشتر به رویا می‌ماند تا مطالبه.

کدام کشورهای دنیا، دستوری‌تر هستند؟

بارها و در ادوار مختلف، مقامات مختلف کشور توضیح داده‌اند که با سازوکار قیمت‌گذاری دستوری مخالف هستند اما انکار بدنه‌ای کوچک‌تر اما مؤثر، میلی به کوچک شدن دولت ندارد و به غلط، کوچکی دولت را نشانه ضعف آن می‌داند. برای مثال، چند ماه پیش امام جمعه مشهد در خطبه‌های نماز جمعه، از نوعی از اقتصاد سخن گفت که به اعتقاد بسیاری از اقتصاددانان ریشه مشکلات اقتصادی و توسعه‌های کشور است؛ آیت‌الله سیداحمد علم‌الهدی گفت: «امروزه می‌بینیم عده‌ای در رسانه‌های مختلف موضع‌گیری می‌کنند، ژست روشنفکری و تخصص به خود می‌گیرند و شعار می‌دهند که مدیریت اقتصاد با زور نمی‌شود. این حرف‌ها چیست؟ اقتدار حکومتی باید پای کار بیاید و کل جریان مدیریتی نظام به کار بیفتد تا با همه قدرت، این تلخی‌های موجود در اقتصاد کشور برای مردم به شیرینی تبدیل شود.» مفهوم «اقتصاد دستوری» به‌عنوان یک ساختار تعریف می‌شود و منشأ، ویژگی‌ها و پیامدهای آن برای هر جامعه‌ای که در آن اجرا می‌شود متفاوت است. غیرممکن بودن تمرکز مطلق که این ساختار به آن نیاز دارد، سازش‌هایی را با بازاری که می‌خواهد جایگزین کند، ایجاد کرده و موجب ایجاد یک «اقتصاد دوم» یا «اقتصاد در سایه» می‌شود که با همزیستی با بازار پایه‌های سیستماتیک آن را تضعیف می‌کند. در طول تاریخ کشورهای زیادی تجربه سیستم متمرکز اقتصادی برنامه‌ریزی شده را داشتند و در حال حاضر هم بسیاری از کشورها تا حدودی این نظام اقتصادی را در دستور کار خود قرار داده‌اند. به‌طور مثال دولت بلاروس تا سال ۲۰۲۲ ۲۰ مالک ۸۰ درصد تجارت و ۷۵ درصد بانک‌های کشور بود. پس از جنگ جهانی دوم، مانو تسمه تونگ در چین، جامعه‌ای ایجاد کرد که کمونیستی اداره می‌شد. او این اقتصاد کاملاً برنامه‌ریزی‌شده را اجرا کرد. بهرین فعلی این کشور هم به سمت یک سیستم مبتنی بر بازار حرکت می‌کنند. آنها به ایجاد برنامه‌های پنج‌ساله برای ترسیم اهداف و اهداف اقتصادی ادامه می‌دهند.

در کوبا، انقلاب فیدل کاسترو در سال ۱۹۵۹، کمونیسم و اقتصاد برنامه‌ریزی شده را سر کار آورد و اتحاد جماهیر شوروی تا سال ۱۹۹۰ به اقتصاد کوبا یارانه پرداخت کرد. برای چندین دهه، کره شمالی متمرکزترین اقتصادهای جهان را دارد. اقتصاددانان ذخایر سرمایه صنعتی کره شمالی را به دلیل سومدیریت، سرمایه‌گذاری ناکافی و کمبودمواد تقریباً غیرقابل تیمه‌هی دانند.

در کشور روسیه در سال ۱۹۱۷، ولادیمیر لنین و انقلاب روسیه اولین اقتصاد دستوری کمونیستی را ایجاد کردند. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی نیز طولانی‌ترین اقتصاد دستوری بود که از

مانند خرید و فروش چندصدمیلیونی کارت ملی برای ثبت‌نام خودروها رونق بگیرد یا مانند چند سال قبل احتمالاً یک صبح چشم‌باز می‌کنیم و می‌بینیم که فراوان‌تر از ان موارد مشابه گذشته، مثلاً به نام یک پیرزن روستایی ۷۰۰ پورشه وارد کشور شده است. این یعنی تصمیم‌گیری به نام مردم و نتیجه‌گیری به کام یک اقلیت ثروتمند.

چند درصد مردم قرار است از واردات خودروی دست‌دوم بهره‌مند شوند؛ کدام دهک‌های جامعه، توان خرید همان خودروهای کارکرده خارجی اقتصادی و نه لوکس را دارند؟ سواری بنز کارکرده کلاس E تولید شده در سال ۲۰۱۸ با قیمتی حدوداً ۱۲ میلیارد تومان را فقط عده‌ای معدود انتظار دارند اما دستیابی به پژو ۵۰۸ حدوداً ۲ میلیارد تومانی و تولیدشده در

دهه ۱۹۳۰ تا اواخر دهه ۱۹۸۰ ادامه داشت. از زمان سقوط اتحاد جماهیر شوروی، دولت روسیه مالکیت بزرگ‌ترین شرکت‌ها را به آلیگارش‌ی‌هاوگذار کرد.

اقدامات هرچند در دناک و سخت، رخ دهد

قدیر قیافه، فعال حوزه معدن و رئیس سابق انجمن سنگ‌آهن حضور مردم در این انتخابات را بسیار مهم می‌داند و انتظار دارد که رئیس جمهور آینده، دست به اقدامات جدی و درناک بزند. این فعال اقتصادی توضیح می‌دهد: باید اقداماتی در کشور رخ دهد و مشخص است که شروع آن، بسیار درآوَر خواهد بود. اما لازم است نرخ ارز در کشور یکسان شود. قیافه که معتقد است مردم‌بایدرای دهند تا بهترین نماینده برای اداره کشور انتخاب شود، ادامه می‌دهد: این اقدامات به اقتصاد کشور کمک خواهد کرد. ممکن است که یک دوره سخت‌تر در کشور تجربه کنیم اما باید یک بار برای همیشه دست به اقدامات سخت جدی زد. نکته دوم هم اینکه قیمت‌گذاری دستوری همه زنجیره تولید را رخ می‌دهد؛ هیچ کشوری نمی‌تواند قیمت‌ها را کنترل کند. مگر اینکه اجازه دهد بازار براساس فرمول‌های موجود خود را تنظیم کند. یکی دیگر از مسائل مهم سرمایه‌های انسانی است که سیاست‌گذار بی‌توجه به اهمیت آن، شرایطی ایجاد می‌کند که اجازه مهاجرت به آن‌ها دهد. زیرا سیاست‌گذار به غلط رفتار می‌کند و قوانین بد را تصویب می‌کند. با چنین وضعیتی، فعالان اقتصادی از سیاست‌گذار انتظار و توقع دارند طرحی نو درنیاوراند. اگر کشور از نیروی انسانی تهی شود چطور باید راه خود را ادامه دهد؟ اگر سرمایه طبیعی در کشور وجود داشته باشد اما نیروی انسانی متخصص نباشد، چگونه باید در کشور تولید کرد؟ مردم در آفریقا سرمایه طبیعی دارند اما سرمایه انسانی ندارند؛ سرمایه طبیعی بدون نیروی انسانی، منجر به از بین رفتن فقر نمی‌شود.

دولت دخالت را متوقف کند

محمدرضا بنی‌طبا، سخنگوی انجمن لبنی، مشارکت در انتخابات را امری حیاتی می‌داند و بیان می‌کند: ما فعالان اقتصادی، در انتخابات رای می‌دهیم چراکه انتخاب بهینه، یک امر عقلانی است و کسی که خود را از آن محروم می‌کند، نباید انتظار داشته باشد وضعیت بهبود یابد زیرا خودش چیز دیگری را انتخاب کرده است.

بنی‌طبا اظهار می‌کند: فعالان اقتصادی انتظار دارند دولتی که سرک‌ارمی‌آید، به‌قانون پایبند باشد. قانون هم‌می‌گوید قیمت‌گذاری دستوری باید از نظام بازار حذف شود. فعالان اقتصادی چندین دهه است که این مطالبه را از دولت دارند.

اوباناکیدبر همین امر، ادامه می‌دهد: چندین دهه است فعالان اقتصادی از دولت می‌خواهند که یارانه‌های پنهان را حذف کند و در عوض این یارانه را به دهک‌های کم‌پر خوردار اختصاص دهد و نه اینکه یارانه دهک‌های کم‌درآمد را به همه مردم دهد. یارانه پنهان و نه یارانه آشکارا باید به دست مصرف‌کننده دهک‌های محروم برسد، نه اینکه اقشار بر خوردار هم از این رانت استفاده کنند و تولیدکننده متضرر شود. باید اجازه داد که عرضه و تقاضا در بازار کار خود را انجام دهد. این فعال اقتصادی در پایان یادآوری می‌کند: سال گذشته نسبت رشد سود در بورس میانگین هشت درصد بوده است. صنعت لبنیات کمتر از ۶ درصد سود داده است. تولیدکننده گرفتار انواع استانداردها و قیمت‌گذاری دستوری بوده است؛ در همین زمان، نرخ سود از دیجیتال ۱۴۰ درصد بود. نرخ سود دلاری بالای ۴۰ درصد بوده است و تنها تولیدکننده‌هایان‌ده بوده‌اند. از سوی دیگر هم این افراد که تولید نمی‌کنند، لازم هم نیست مالیات دهند و مشکلاتی از این قبیل ندارند. سرمایه‌گذار هیچ انگیزه‌ای برای ادامه دان کار

تولید ندارد. صنایع تولید کشور رو به استهلاک است و جذابیت سرمایه‌گذاری ندارد. توقع ما از دولت این است که قیمت‌گذاری دستوری و دخالت دولت در بازار باید محدود شود. حتی اگر قرار است دولت دخالت کند باید مابه‌التفاوت عدم رفغ را به تولیدکننده پرداخت‌کند.

اهمیت توجه به بخش خصوصی

ایرج رهبر، رئیس هیئت‌مدیره انجمن صنفی انبوه‌سازان مسکن، مشارکت در انتخابات را لازم می‌داند و توضیح می‌دهد: فعالان بخش خصوصی، در انتخابات شرکت می‌کنند زیرا مایل به بهبودوضعیت هستند. این فعال اقتصادی که معتقد است مشکلات مردم، مشکلات فعالان اقتصادی است، توضیح می‌دهد: نباید فعالان اقتصادی را جدا از جامعه مردم دید زیرا آنان از همین مردم هستند. رهبر بیان می‌کند: انتظار فعالان اقتصادی از رئیس جمهور آینده این است که مسائل بخش خصوصی، تسهیل شود و محیط کسب‌وکار بهبود یابد. همه عوامل بهبود محیط کسب‌وکار، خواسته‌های بخش خصوصی است. شعار جهش تولید همراه با مشارکت مردم در آینده باید جدی گرفته شود؛ بخش خصوصی از همین مردم هستند که به رشد اقتصادی و جهش تولید کمک می‌کنند. او در پایان می‌گوید: توجه به بخش خصوصی، یکی از اولویت‌هایی است که عمده فعالان اقتصادی نسبت به آن بسیار حساس هستند.

مشارکت را افزایش دهید

مهرداد اکبریان، رئیس انجمن سنگ ایران که معتقد است باید مشارکت در انتخابات افزایش یابد، می‌گوید: من از سوی خودم، معتقدم که باید در انتخابات مشارکت کرد و مردم را هم به مشارکت تشویق کرد. فضای اقتصادی و سیاسی کشور در سال‌های گذشته برای بخش خصوصی بسیار بسته بوده است. نمی‌توان با تعارف صحبت کرد و من انتظار دارم رئیس جمهور آینده، این فضا را برای بخش خصوصی باز کند. دولت باید از بخش خصوصی برای انجام اقدامات کلان اقتصادی کمک بگیرد، نه اینکه صرفاً از برخی مسئولیت‌های خرد اقتصادی و تجاری کشور کمک بگیرد. اکبریان مسائل مالی در اقتصاد را بسیار آزاردهنده می‌داند و اظهار می‌کند: کسی که سالم کار می‌کند، مالیات می‌دهد و از رانت‌ها استفاده نمی‌کند، در بدترین شرایط قرار دارد و همواره زیان‌ده است. دولت هم به جای تشویق این فعال اقتصادی، او را تنبیه می‌کند و در نهایت کسب‌وکار او با تعلیل می‌شود یا اینکه فقط صرفه‌اقتصادی را می‌زند. تمام راهکارهایی که وجود دارد این است که مدام فعال اقتصادی باید شرایط را دور بزند تا از این وضعیت بیرون بیاید. این پیروسه، اصلاً برای کشور خوب نیست. فکر می‌کنم وقت این شده که مردم دوباره رای دهند و پای صندوق‌ها بیایند. مقام رهبری، در ابتدای سال گفتند جهش تولید تنها با اعتماد مردم رخ می‌دهد پس الان وقت آن شده دولت جدید با همین شعار پیش بیاید. او راهکار اصلی خروج از این وضعیت بحرانی را مشارکت جدی بخش خصوصی در اقتصاد می‌داند و توضیح می‌دهد: هر یک از نامزدهای انتخاباتی که وعده افزایش مشارکت بخش خصوصی در اقتصاد را دهد، شور و شوقی در رای‌دهندگان به وجود می‌آورد. اکبریان می‌گوید: فعال اقتصادی، کارآفرین است و در کشور اشتغال ایجاد می‌کند. فعالان اقتصادی باید کارگران خود را تشویق کنند که در انتخابات مشارکت کنند و رای دهند. لازم است فضایی ایجاد کنیم تا افرادی که در ناامیدی هستند، احساس کنند با رای دادن وضعیت بهتر می‌شود. کارآفرینان هم باید بدانند اگر رئیس جمهور خوبی انتخاب شود، مشکلات زیادی در اقتصاد حل می‌شود و دولت تبدیل به تکیه‌گاهی برای فعالان بخش خصوصی خواهد شد.

ضرر غیرقابل جبران برای مردم

سال با تاکید بر محوریت تولید و مشارکت مردم از کانال واردات خودرو و اختصاص ارز به سود تاجران خودروهای کارکرده خارجی بگذرد. باید پرسید با فرض آزاد شدن واردات خودرو، چه تضمینی وجود دارد که قیمت خودرو متعادل باشد و وقتی قیمت دلار به خاطر ارزبری چند میلیارد دلاری برای واردات خودروهای دست دوم؛ افزایشی خواهد شد و دلیل آن هم افزایش تقاضای ارزی حداقل ۳ میلیارد دلاری در محدوده واردات خودروهای کارکرده خارجی خواهد بود. در واقع باید دید اصلاً این واردات دست دوم، ارزش این همه گرانی را دارد؟

ضرر غیرقابل جبران برای مردم

و در پایان راه علاج پیدااست؛ چرا باید خسارت هنگفت بدهیم بعد تصمیم‌گیریم:

مدیریت ایران خودرو و سایپا را به بخش خصوصی ایرانی امتحان پس داده در تولید خودرو و قطعات بسپارید، رهبری هم در بهمن‌ماه تاکید کردند اما ظاهر آگوش شنبوایی نیست.

تولید انبوه خودرو ارزان قیمت را با ظرفیت ایران خودرو و سایپا حمایت کنید تا به دست مصرف‌کننده واقعی برسد و بازار خرید خودرو برای سود را پایان دهید.

قیمت دستوری خودرو را لغو کنید و عرضه و تقاضا را جایگزین کنید مانند همه دنیا و بگذارید خودرو به دست مصرف‌کننده برسد؛ آن هم از کارخانه نه از طریق دلال ...و

اگر این مهم میسر نشود ضرر وزیران انباشته ایران خودرو و سایپا به میزان دویست همت تاکنون از جیب مردم پرداخت شده؛ نگذارید فرصت از دست برود، فراموش نکنید هر ساعت این دو خودروساز ده میلیارد تومان ضرر می‌دهند و به هر میزان تصمیم‌سازی با تاخیر صورت گیرد این ضرر انباشته همچنان از جیب مردم باید پرداخت شود.

گزارش روز

پیشنهاد انجمن اقتصاد به رئیس جمهور آینده

انجمن اقتصاد ایران طی بیانیه‌ای با بررسی چالش‌های اقتصاد، راه‌حل‌های رفع موانع توسعه را در سه سطح پیشنهادداد.

در این بیانیه اهم چالش‌های اقتصاد ایران رشد اقتصادی، تورم‌های بالای مزمن، کمیّت و کیفیت پایین اشتغال و اشتغالزایی، فقدان روابط مستحکم بین‌المللی، گسترش فساد و شکل‌گیری کانون‌های قدرت و ثروت، تهیّه و تدارک ناکارا و ناکافی کالاها و خدمات عمومی، ناترازی عرضه و تقاضای انرژی، بالا بودن هزینه‌های مبادله منتج به اتلاف منابع و کاهش رفاه، بی‌ثباتی اقتصاد کلان، پایین بودن نرخ پس‌انداز، تشکیل سرمایه و طبعاً سرمایه‌گذاری و مستهلک شدن سرمایه‌های فیزیکی و زیرساخت‌ها، هشدارآمیز شدن روند تشکیل و رشد و ارتقای سرمایه انسانی، فقدان نقش بایسته تجارت الکترونیک، دولت الکترونیک، فضای مجازی و اکنون هوش مصنوعی در مسیر توسعه، نرخ مشارکت پایین اقتصادی خصوصاً برای نیروی کار زنان کشور، روند افزایشی خروج سرمایه انسانی و مادی از کشور، فرصت‌های نابرابر رقابت برای عاملان اقتصاد، مواجهه فعالان اقتصادی با فقدان شفافیت بایسته و عدم تقارن اطلاعات؛ بهره‌وری پایین نیروی کار و سرمایه، کاهش اعتماد شایسته عمومی، افزایش نابرابری در ثروت، وجود نارسایی‌های بحرانی در شاخص‌های زیست محیطی، در خطر بودن منابع آبی کشور و سطح بالای آلودگی هوا.

در این بیانیه برخی علل و ریشه‌های مشکلات به این شرح اشاره شده است: ضعف در سیاستگذاری، احاطه دیدگاه شبه‌علمی، شبهه‌صلحتگرا و خصی، ایجاد نهادهای ضدتوسعه‌ای، فقدان دید بلندمدت در اداره کشور، فرایند تودرتوی تصمیم‌گیری، تحمیل تکالیف زائد و حتی زیان‌بار بر دوش دولت، فشار فوق طاقّت تحریم‌ها، نظام انگیزشی نامناسب، ساختار اقتصاد رانتی و دولت رانتیر، تخصیص غیربهینه منابع طبیعی، مداخلت بی‌حدوخصر دولت در اقتصاد و غیرکارا بودن آن، وجود خزانه‌های متعدد و جریان‌های مالی خارج از بودجه عدم اتقان و استواری پرونده‌ها و سیاست‌های اعلامی، ضعف و ناکارایی نظام آماري کشور در جهت کمک‌به تحلیل‌های علمی، برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌ها، عدم حرکت به سوی رقابت‌پذیری و آزادی اقتصاد و دخالت‌های روزافزون دولت، بزرگ شدن بخش شبه‌عمومی ناکارا، ضعف شدید در حاکمیت قوانین، تسلط سلیقه‌محوری، بی‌ثباتی مصوبات و عدم استقلال و برابری همه در مقابل، ناکارا بودن عملکرد زیرسیستم‌های اقتصادی مثل تأمین، تولید، توزیع، مالیات و یارانه، مالی، بانکی و پولی، تأمین اجتماعی، بانخشستگی، بیمه، گمرک، تأمین مالی، بورس، ناکارا و بی کیفیت بودن بوروکراسی اداری، مساوات‌گرایی صرف بدون توجه به بهره‌وری و ایجاد مطالبه‌و انتظار دستیابی به رفاه بدون سرمایه‌گذاری، کار، تلاش و بهره‌وری، انحراف دولت‌ها از برنامه‌ها و بودجه‌ها و بی‌خاصیت کردن برنامه‌های توسعه.

در این بیانیه اقدامات و مسیر حرکت جهت رفع تدریجی این چالش‌ها در سه سطح تصمیم‌گیری نهادی پیشنهاد شده است. سطح ۱- سیاست‌ها و اقدامات بنیانی فراقوه‌ای و منتسب به مجموعه حکمرانی که عبارتند از: رفع تحریم‌ها، اولویت داشتن اقتصاد، رشد و معیشت، اصلاح بودجه و رفع ناترازی، کاهش فساد و قدرت‌های متصله به بدنه تصمیم‌گیری، تنش‌زدایی داخلی بین گروه‌های سیاسی، توجه به خواسته‌ها و آزادی‌های اجتماعی مردم، احترام و تقویت سرمایه‌های اجتماعی کشور برای همراه‌سازی مردم، تجدیدنظر در نهادهای تصمیم‌گیر. سطح ۲- اقدامات مربوط به تعامل دولت با دستگاه‌های حاکمیتی خارج از دولت که عبارتند از: شناخت بدنه حاکمیت و نهادهای موازی، حرکت به سمت متعادل کردن سهم شرکت‌های شبه خصوصی دولتی، اصلاح موادی از قانون با هدف ارتقای جایگاه بخش خصوصی رقابتی، منتفی کردن معافیت‌های مالیاتی نهادهای عمومی، ایجاد خزانه واحد، ایجاد فرصت‌های برابر و حذف مجوزها، برابری دستگاه‌های حکومتی و بخش خصوصی و مردم در مقابل قانون، عدم تحمیل تصمیمات به دولت، سطح ۳- اقدامات در سطح تصمیم‌گیری در قوه مجریه و هماهنگی‌های اجرایی لازم در سطوح حکمرانی که عبارتند از: تشکیل تیم قوی، تعامل اثرگذار در جهت رشد، ارتکا تصمیمات به علم و دانش، اصلاح نظام مالی دولت، اصلاح نظام تأمین مالی، تجدیدنظر در رویه‌هایی که بخش بانکی را تابع بخش بودجه‌ای کرده، ایجاد بازار ارز یگانه، سیاست مالی انبساطی با کاهش بار مالیاتی اقشار متوسط و بنگاه‌های کوچک، بهرین از مداخلات مستقیم قیمتی، پرداختن به وظیفه تنظیم‌گری دولت، مدیریت بهتر توزیع رانت، ارتقاء کیفیت بوروکراسی اداری، رفع جمیع موانع تجاری، کاهش فساد، ارتقاء بهره‌وری نیروی کار و سرمایه، حاکمیت شایسته‌سالاری واقعی، رقابتی‌سازی اقتصاد، اعتمادسازی با تعهد و برگرداندن اعتماد عمومی.